

روز شمار انتخابات

رقابت ۴ گروه در انتخابات



پدرام سلطانی
نایب‌رئیس اتاق بازرگانی

● رقابت در انتخابات اتاق تهران با وجود برخی وجوه مشترک با سایر اتاق‌ها، دارای تفاوت‌هایی نیز است. در تهران پایه‌های رقابت از نوع جغرافیایی یا قومی وجود ندارد چراکه می‌توان تهران را یک شهر چندفرهنگی و فراقومی دانست. بنابراین رقابت در انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، بیشتر از جنس رقابت‌های جناحی است، یعنی اشتراکات فکری و سلیاق و روحیات همسان مدیریتی، موجب ایجاد گروه‌ها و ائتلاف‌ها می‌شود و عملاً جناح‌های فکری- مدیریتی شکل می‌گیرند. در ادامه به بررسی گروه‌های موجود و جدید انتخاباتی اتاق تهران می‌پردازم:

۱- **محافظه‌کاران یا بازارگرایان:** این گروه، کسانی هستند که از ابتدای پیروزی انقلاب در اتاق حضور داشته‌اند و مدیریت اتاق را تا سال ۱۳۸۲ به‌طور مطلق در دست داشتند. سبک مدیریتی این گروه، بیشتر مدیریت رایج در بازار است، یعنی ماندگاری طولانی‌مدت در راس یک مجموعه و انتخاب همکاران و مدیران پایین‌دست خود، بر مبنای نزدیکی‌های خانوادگی یا آشنایی‌های دیرینه. به بیان دیگر اصل اعتماد و شناخت در مدیریت این گروه، از اصل مهارت‌مندی و شایستگی اهمیت بیشتری دارد. این گروه در ۱۲، ۱۰ سال نخست مدیریتی خود، یعنی سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۵۷ نقش مهمی در حفظ اتاق از جریانات تند ضد سرمایه‌داری وقت که در دولت و جامعه وجود داشت، ایفا کرده و توانست اتاق را حفظ و تثبیت کند. اما در ادامه، سبک مدیریتی‌شان و عدم استقبال آنها از مدیران جوان‌تر و عدم توجه به جانشین‌پروری، باعث شد اتاق وارد یک دوره سکون و رکود تا سال ۱۳۸۲ شود. پایگاه رای این گروه بنیادهای میان بازاربانان، اعضای قدیمی اتاق، تشکلات معدنی و اتاق‌های مشترک است. نام انتخاباتی این گروه در دواتخابات پیشین «مجمع فعالان توسعه» بود اما برای انتخابات آینده نام «ائتلاف بزرگ» را برای خود برگزیده‌اند.

۲- **تحول‌خواهان:** این گروه که در انتخابات سال ۱۳۸۱ از ترکیب سه‌فهرست انتخاباتی نزدیک به هم شکل گرفت از دوره پنجم اتاق یعنی سال ۱۳۸۲ وارد اتاق شد و توانست برای قریب به سه‌سال، مدیریت اتاق تهران را برعهده بگیرد. نمایندگان این گروه در اواخر دوره پنجم هم‌زمان با تغییر دولت وقت از مدیریت اتاق کنار گذاشته شدند و در دوره ششم نیز باوجود پیروزی نسبی در انتخابات اتاق تهران به دلایل بیرونی و درونی نتوانستند سهمی از مدیریت این اتاق را به‌دست بیاورند. در انتخابات دوره جاری (هفتم) نیز شکست نسبی در انتخابات داشتند اما توانستند یک‌نماینده در هیات‌ریسه اتاق تهران به‌دست بیاورند، البته اتاق تهران کماکان در تسلط گروه محافظه‌کاران باقی ماند. این گروه در واقع ترکیبی از مدیران نوگرای نسل دوم بخش خصوصی و اصلاح‌طلبانی که از دولت خارج شده بودند، بود. تلاش این گروه، منجر به استقلال اتاق تهران از اتاق ایران در سال ۱۳۸۲ شد و تعداد اعضای اتاق تهران نیز در دوره مزبور افزایش قابل‌ملاحظه‌ای یافت. برجسته‌سازی تملیلات سیاسی اعضای گروه در یک نهاد غیرسیاسی مانند اتاق و در پاره‌ای موارد، نداشتن انعطاف برای تعامل با دیگر گروه‌های موجود در اتاق، موجب ایجاد انشقاق در این گروه شد. پایگاه رای این گروه در میان ناراضیان از عملکرد گروه محافظه‌کار اتاق است و وابستگی این گروه به آرای سیال و متکی به اشخاص درون گروه زیاد است. نام انتخاباتی این گروه در دو انتخابات قبل «خواستاران تحول در اتاق بازرگانی» بود و در این دوره با قالب «انجمن مدیران و متخصصان صنعتی و اقتصادی» و تحت همان عنوان قبلی پا به عرصه رقابت‌ها نهاده‌اند. اتاق تهران در چهار دوره نخست، یعنی تا سال ۱۳۸۱ تکی قطبی و در تسلط گروه محافظه‌کاران اتاق بود اما در سه‌دوره اخیر، با ورود تحول‌خواهان به رقابت‌های انتخاباتی، اتاق از تکی‌قطبی خارج و دوقطبی شد. به‌نظر می‌رسد در انتخابات پیش‌رو با بازترشدن فضای انتخابات در اتاق از یک سو و عدم‌تأمین نظر همه گروه‌ها و ذی‌نفعان اتاق از دو قطب یاد شده از سوی دیگر، فضای حاکم بر انتخابات، تغییر خواهد کرد و از دوقطبی به سه‌قطبی یا حتی بیشتر تبدیل خواهد شد. تا به حال به غیر از دو گروه یاد شده گروه‌های دیگری نیز اعلام موجودیت و آمادگی برای انتخابات کرده‌اند و ممکن است تعداد آنها بیشتر شود یا با شکل‌گرفتن ائتلاف‌هایی در بین گروه‌های فعال، این تعداد تغییر کند.

گروه‌های دیگری که تاکنون اعلام موجودیت کرده عبارتند از:

۳- **گروه سوم،** گروهی تحت عنوان «کانون کارفرینان توسعه‌گرا» است. این گروه با محوریت مدیران فعال در حوزه احداث و عمران تشکیل شده است. البته این گروه در اولین نشست مطبوعاتی خود انتخابات اتاق را هدف اصلی گروه ندانسته و اظهار کرده‌اند که بیشتر به‌دنبال متشکل‌کردن کارآفرینان هستند. به‌هرحال فعالیت گسترده رسانه‌ای این گروه، خبر از عزم جدی آنان برای رقابت در انتخابات می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۵

رنانی در تحلیل آینده بازار، خداحافظی با نفت را محتمل خواند

سال ۹۴، پایان حضور دولت در عرصه توسعه



فرزانه طهرانی

بودم. علت این تعجیل افت قیمت نیز آن است که ما در عصر تکنیکی فناوری هستیم و دیگر فناوری قابل پیش‌بینی نیست. اگر ۱۰ سال پیش می‌توانستیم پیش‌بینی کنیم که دوسال آینده چه فناوری‌هایی ظهور پیدا می‌کند، امروز برای شش‌ماه آینده نیز نمی‌توانیم پیش‌بینی داشته باشیم. بنابراین به‌خاطر پدیدارشدن فرآیند تکنیکی در فناوری و سرعت‌گرفتن تحولات، برخی تحولات امروز در فناوری استخراج در ۹ سال پیش که نگارش کتاب را شروع کردم قابل پیش‌بینی نبود. مثلاً من در کتاب آورده‌ام که بعد از اینکه قیمت نفت افزایش پیدا کند، تولید نفت‌های نامتعارف نفت‌هایی است که در بستر اقیانوس‌هاست و استخراج آنها پرهزینه است و قیمت نفت باید بسیار افزایش یابد تا استحصال آنها مقرون به‌صرفه باشد. اما آن زمان پیش‌بینی نمی‌کردم که نفت ماسه‌ای (نفت شیل) پیدا شود و این حجم عظیمی از نفت را به بازار عرضه کند. آن زمان به دلیل پیچیدگی مساله هیچ فناوری جدی پیدا نشده بود که نفت شیل را استخراج کند. امروز فناوری تا حدی پیشرفت کرده که نفت شیل را نیز استحصال می‌کند. در کتاب ولی من صحبت از نفت‌های نامتعارف در بستر اقیانوس‌ها کرده‌ام، اما در عمل هم به علت پیشرفت فناوری و هم به علت افزایش قیمت نفت، استخراج نفت شیل نیز مقرون به‌صرفه شد. بنابراین یکباره با ورود نفت شیل به بازار، با سرعتی عجیب و باورنکردنی تولید نفت آمریکا بالا رفت. بنابراین افزایش تولید نفت آمریکا و کاهش واردات نفتی این کشور در عمل ناشی از افزایش قیمت نفت بوده است یعنی همان دلیلی که من پیش‌بینی می‌کردم اما سرعت این تحول به علت ورود سریع نفت شیل به بازار بوده است. در کنار ورود نفت شیل، سایر نفت‌های نامتعارف نیز در حال ورود به بازار است و همچنین انرژی‌های نو نیز در حال پیشرفت است و اثر خود را با کاهش تقاضا برای نفت در بازار خواهد گذاشت.

● **در سالی که با وجود تداوم بحران در اقتصاد اروپا هنوز نیاز به نفت در بازارهای جهانی کاهش قابل‌توجه نداشته است، برخی از کارشناسان کاهش قیمت را یک پدیده اقتصادی و نتیجه افزایش عرضه نفت ناشی از ورود نفت شیل به بازار یعنی انرژی فسیلی غیرمتعارف می‌دانند و برخی آن را پدیده‌ای سیاسی و نتیجه رویارویی با تئانی عربستان و آمریکا عنوان می‌کنند. حتی رئیس‌جمهور در سخنانی این اتفاق را فراتر از مسایل اقتصادی و توطئه دانسته بود با برخی به تنش‌های خاورمیانه و اوکراین و روسیه و همچنین افزایش تولید لیبی به‌عنوان یک عامل موثر نگاه می‌کنند. ارزیابی شما از این پدیده‌ها چیست؟**

کاهش قیمت نفت را نه توطئه می‌دانم و نه خارج از گذل‌یل کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی». اما قطعاً افزایش تولید نفت عربستان و لیبی در این افت قیمت تأثیرگذار است. اینکه دریگری روسیه و اوکراین توانسته بر بازار نفت اثر بگذارد، البته اثری می‌گذارد، اما اثرش به‌صورت افزایش قیمت ظاهر می‌شود نه کاهش. چون روسیه با تولید بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان است و هر تنشی که روسیه در آن درگیر باشد باعث افزایش قیمت نفت می‌شود. بنابراین ممکن است این کاهش قیمت سریع ناشی از هم‌زمان شدن افزایش تولید لیبی و عربستان با ورود حجم عظیم نفت شیل به بازار باشد. اما روند کاهش قیمت طبیعی بوده و تقریباً پیش از تصمیم عربستان آغاز شده بود. این اتفاقات فقط آن را تسریع کرد.

● **آیا عربستان برای ضربه‌زدن به روسیه و ایران زیر بار کاهش تولید نرفت؟**

من مخالف این هستم که عربستان به‌خاطر ضربه‌زدن به روسیه، سوریه و ایران حاضر نشد برای جلوگیری از سقوط قیمت، تولید خود را کاهش دهد. عربستان یک تحلیل بلندمدت ۴۰ ساله دارد که قیمت نفت نباید افزایش یابد. برای اینکه من عربستان اصلی‌ترین درآمدم از نفت است و باید تا ۲۰ سال دیگر نفت بفروشم و اگر قیمت نفت بالا رود تولید انرژی‌های نو و جایگزین، تسریع شده و نفت از گردونه مصرف جهانی خارج یا حداقل سهم آن کم می‌شود. و من دیگر نمی‌توانم نفت بفروشم. بنابراین باید قیمت نفت را در یک حد متعادل نگه دارم تا بتوانم در ۲۰۳۰ سال آینده این کالا را صادر کنم. این تحلیل کلی عربستان در چهار دهه اخیر است. پس عربستان برای تأمین منافع بلندمدت خود، به‌دنبال کاهش تولید و افزایش قیمت نفت نیست. بنابراین عربستان این کاهش قیمت را در کوتاه‌مدت تسریع کرده ولی اگر

عربستان نیز بر این اتفاق دامن نمی‌دزد روند طبیعی کاهش قیمت با سرعتی آهسته ادامه می‌یافت. عربستان معتقد است به جای اینکه قیمت تا سه، چهار سال دیگر به‌دلیل جایگزینی انرژی‌های نو مثلاً به ۳۵ دلار یا کمتر سقوط کند؛ الان روی ۵۰ دلار بماند بهتر است، تا نفت شیل از چرخه تولید خارج شود یا دست‌کم سرعت تولید آن کاهش یابد و عربستان بتواند تا ۱۰ سال دیگر نفت صادر کند. ولی من بر این باورم که این پیش‌بینی عربستان هم خطا از آب در خواهد آمد. قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند ولی نه اینکه عربستان بتواند تا ۱۰ سال دیگر بازار را در اختیار داشته باشد. البته عربستان تا ۱۰ سال دیگر نفت خواهد فروخت ولی نه ۱۱ میلیون بشکه در روز، این مقدار آرام‌آرام کاهش پیدا خواهد کرد. عربستان می‌خواهد این کاهش اتفاق نیفتد یا دیرتر و کندتر اتفاق بیفتد. در هر صورت اگر قیمت نفت در حد همین ۵۰ دلار هم باقی بماند؛ روند جایگزینی انرژی‌های نو که با افزایش شدید قیمت نفت از حدود ۱۰ دلار به بالای صد دلار در دهه گذشته آغاز شد، دیگر قابل توقف و بازگشت نخواهد بود. چراکه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در حوزه انرژی‌های نو صورت گرفته و سرمایه‌گذاران ناگزیرند پروژه‌های خود را ادامه دهند؛ البته کاهش کنونی قیمت نفت آنها را وادار خواهد کرد که روی ابداع و نوآوری در فناوری سرمایه‌گذاری کنند و هزینه تولید انرژی‌های نو را کاهش دهند. البته در سال‌های گذشته در این زمینه موفقیت‌هایی نیز به دست آورده‌اند. مثلاً در شش سال گذشته دو بار توانستند هزینه تولید پیل‌های خورشیدی

را به نصف کاهش دهند. اگر این روند ادامه یابد به این معنی است که حتی اگر قیمت نفت به ۴۰ دلار هم کاهش پیدا کند باز تولید انرژی‌های نو به صرفه خواهد بود. بنابراین دیگر روند بی‌بازگشت جایگزینی انرژی‌های نو شروع شده است. از طرفی حتی اگر قیمت در سطح ۵۰ دلار فعلی هم بماند باز تولیدکنندگان نفت شیل تولید نفت را رها نمی‌کنند چراکه در دوره بالا بودن قیمت نفت سرمایه‌گذاری‌های عظیمی انجام داده‌اند که اکنون باید از آن بهره‌برداری کنند. به نفع آنهاست که به تولید ادامه دهند و سعی کنند در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کنند تا بتوانند با بهبود فناوری، هزینه تولید را کاهش دهند. از این‌رو اینکه عربستان گمان کند با کاهش قیمت، تولید شیل را متوقف می‌کند، پیش‌بینی نادرستی است. عربستان با این کار خود فقط سقوط بزرگ قیمت نفت را تسریع می‌کند. این را من توطئه نمی‌دانم. این یک اشتباه محاسباتی است. عربستان است. عربستان مساله تکنیکی فناوری را در سیاست‌های خود لحاظ نکرده است.

● **فکر می‌کنید قیمت نفت تا چه حدی کاهش خواهد یافت و آیا کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی قیمت نفت را پدیده‌ای موقتی و کوتاه‌مدت می‌دانید یا پدیده‌ای طولانی‌مدت و ماندگار؟**

من هشت‌سال پیش در کتاب پیش‌بینی کرده بودم که قیمت نفت تا بالای صد دلار افزایش می‌یابد و چندسال در این نرخ می‌ماند و بعد شروع به کاهش می‌کند و به‌تدریج تا سطح بالاترین هزینه تولید افت خواهد کرد. فعلاً برای تولیدکنندگانی که سهم قابل‌توجهی در بازار نفت دنیا دارند، بالاترین هزینه تولید حدود ۳۵ دلار است. بنابراین در بلندمدت ما به سمت چنین قیمتی خواهیم رفت. اما البته حالا با عواملی که شرح دادم بخشی از این کاهش، تسریع شده است.

● **کف و سقف هزینه تولید نفت در دنیا چقدر است و این هزینه برای ایران چقدر محاسبه می‌شود؟**

هزینه واقعی تولید هر بشکه نفت در دنیا، هم توسط تولیدکنندگان تا حدودی محرمانه نگه داشته می‌شود و هم بسیار متفاوت است. اما اگر تولیدکنندگان عمده نفت را در نظر بگیریم، پایین‌ترین هزینه کلی تولید هر بشکه نفت در دنیا حدود هفت دلار و بالاترین آن حدود ۳۵ دلار است. این هزینه برای ایران بسته به حوزه نفتی، بین پنج تا ۱۰ دلار برآورد می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۵

اقتصاد سبز

انتشار گاز متان با تولید برنج



فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از کشت برنج در جهان و خصوصاً کشورهای مهم تولیدکننده برنج یک مساله است. از این‌رو به‌منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از یک سو و از سوی دیگر تأمین غذای مردم، راهکارهای متفاوتی در کشورهای مختلف به کار گرفته شده است. عموماً شش عامل بر انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از کشت برنج تأثیرگذار است: ۱- آماده‌سازی زمین ۲- آماده‌سازی بذر ۳- ارقام برنج ۴- کود ۵- مدیریت آب و ۶) برداشت محصول و دوره آیش. طبیعتاً راهکارهای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کشت برنج نیز در این شش مقوله خلاصه می‌شود. مجموعه‌ای از استراتژی‌های مختلف برای کاهش انتشار گاز متان پیشنهاد شده است؛ مدیریت ترکیب کاه با خاک، بهبود شیوه‌های مدیریت آب، بهینه‌سازی کاربرد و استفاده از کود، افزایش مقدار کربن خاک، توسعه استفاده از ارقام اصلاح‌شده برنج، به زراعی و بهینه‌سازی اقدامات زراعی. در این میان به نظر می‌رسد راهکار تغییر مدیریت آب امیدوارکننده‌ترین گزینه کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از کشت برنج است. زهکشی و آبیاری متناوب در حدود بیش از ۴۰ درصد انتشار گاز متان در کشت برنج را کاهش می‌دهد. جاری‌کردن آب‌های سطحی و کم‌عمق علاوه‌بر کاهش انتشار متان مزایای دیگری از جمله حفاظت از آب و صرفه‌جویی در مصرف آب و افزایش بازدهی آب را در مزارع کشت برنج به‌دنبال دارد. به‌طور کلی زهکشی بین دوره کشت یک گزینه موثر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است خصوصاً هنگامی که بخش عظیمی از کاه برنج دوباره به خاک برمی‌گردد. در این شرایط برای کارایی بالاتر، تغییر در شیوه آبیاری باید همراه با بهینه‌سازی استفاده از کود باشد تا هم انتشار گازهای گلخانه‌ای کاهش یابد و هم هزینه‌های آبیاری و کود کاهش یابد. عوامل محیطی بسیار متنوعی بر ۴۰ میلیون هکتار از مزارع برنج که در جهان کشت می‌شود تأثیر دارد که می‌توان با این استراتژی انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش داد.

ادامه در صفحه ۱۵



هفتاد و ششمین سالگرد تاسیس بانک مسکن را گرامی می‌داریم.



بانک مسکن
www.bank-maskan.ir
مرکز ارتباط با مشتریان: ۰۲۱-۶۱۰۸۸